

## بررسی بازتاب چهره زنان مسلمان در رسانه های غربی با تأکید بر موضوع حجاب

سوسن صفاوردی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۱۲/۲۰

صفحات مقاله: ۱۲۳ - ۱۵۲

### چکیده

در آستانه انقلاب اسلامی از نیم سال ۱۹۷۸ غرب در موضوع زنان با پدیده‌ای نو در ایران مواجه شده که در تضاد با برداشت گذشته آنان بود. از پس انقلاب اسلامی حضور زنان فعال با پوشش اسلامی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی ورزشی و هنری در تضاد کامل با تفکر غرب بود که برهنگی و رهایی از هر قید و بندی را لازمه پیشرفت و آزادی در عرصه‌های گوناگون قلمداد می‌کرد. الگوی جدید از حضور زنان محجبه، گرایش روزافزون زنان به این نوع پوشش و به‌طور کلی استفاده از نمادهای دینی در زندگی اجتماعی در غرب و شرق، تلاش سازمان یافته جنگ روانی علیه استفاده از نمادهای دینی را شکل داده است که شاخصه آن حجاب برای زنان مسلمان است. مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است که درصدد بررسی بازتاب چهره زن مسلمان در رسانه‌های غربی، است. چارچوب نظری این مطالعه با تکیه بر مبانی نظری عملیات روانی می‌باشد. منظور از عملیات روانی بهره‌گیری از روش‌هایی برای تأثیرگذاری بر روحیه، تمایل و انسجام مخاطبان برای تفسیر رفتار آنان است (فریدمن - ۲۰۰۳). که در آن با بررسی روش‌های: نفی و اثبات، استاد مکرر، برجسته‌سازی، استاد مجازی، حذف و تحریف، ایجاد ابهام، الگوسازی، که رسانه‌های غرب در بازتاب چهره

زنان مسلمان و حجاب و بنیادگرایی در قالب شیوع برخی رمان‌ها و گرایش‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است.

روش تحقیق توصیفی، تحلیلی است و اطلاعات از طریق تحلیل محتوای گزارشات خبری رسانه‌های عمومی مکتوب و تصویری غربی است. نمونه‌گیری از منابع رسانه‌ای در مقطع زمانی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ می‌باشد. حجم نمونه شامل تحلیل محتوای ۱۲۰ منبع و سند رسانه‌ای است.

یافته‌ها بیانگر آنست که رسانه‌های غربی به گونه‌ای هدفدار به دنبال سیاه‌نمایی از چهره زنان مسلمان می‌باشد. در حوزه سیاسی از حجاب اسلامی به عنوان: نماد نقض حقوق بشر، نماد بنیادگرایی، نماد رجعت به قرون وسطی، نماد تهدید نظام برای جامعه غرب، نماد طرفداری از ایران، نماد عدم آزادی و... می‌باشد و در عرصه اقتصاد حجاب به عنوان: نماد طبقه اجتماعی، نماد بیگاری، نماد کارهای پست.

و ... در حوزه فرهنگی حجاب به عنوان: نماد ظلم به زن (تفصیح حقوق زن)، نماد خشونت (فیزیکی، روانی)، نماد جامعه مردسالار، نماد جهل و بی‌سوادی، نماد زشتی ظاهری، نماد محدودیت، نماد افسردگی و بدخلقی، نماد کثیفی و شلختگی، نماد تبعیت از مردان (پدر، شوهر، برادر، فرزند ذکور)، نماد انفعال و وابسته بودن و... در حوزه اجتماعی حجاب به عنوان: نماد وضعیت شغلی (خانه دار یا شاغل)، نماد عدم مهارت، نماد عدم بهره‌برداری از لذات زندگی، نماد عقب مانده، نماد بی‌فرهنگی، نماد داشتن فرزند زیاد، نماد عدم تسلط به زبان دوم و... به صورت هماهنگ و مکرر انعکاس رسانه‌ای پیدا می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد عملیات روانی رسانه‌های غربی طی دو سال از طریق ۱۲۰ نوع رسانه در ۱۰ فیلم مستند و سیاسی، ۳۰ روزنامه پرتیراژ، ۲۰ هفته نامه، ۶ فصلنامه، ۲۰ خبرگزاری مهم، ۱۰ رمان و ۲۴ مقاله در موضوع زن و اسلام و حجاب تکرار شده است. نتیجه‌گیری از مجموعه تحلیل‌های منابع فوق بیانگر آنست که رسانه‌های غربی روش‌هایی را که برای مقابله به کار می‌گیرد ثابت بوده و در طی زمان ظاهر آن عوض می‌شود، این روش‌ها زمانی در مورد بلوک شرق اعمال می‌شده و امروز نیز در مقابله با زن مسلمان محجبه به عنوان نماد اسلام و جمهوری اسلامی به کار گرفته می‌شود.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

حجاب، زن مسلمان، رسانه، غرب

حجاب و پوشش در تاریخ زندگی زنان مسلمان موضوعی تاریخی است، که فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و بخشی از زندگی اجتماعی و فردی مردم بوده است. هم زمان با گسترش مدرنیسم موضوع زندگی زن مسلمان مورد توجه مردم سایر مناطق بویژه غرب قرار گرفت، به طوری که بخش مهمی از منابع شرق شناسی اختصاص به این موضوع داشت.

تا قبل از انقلاب اسلامی ایران به سال ۱۹۷۹ تصویر داده شده از اسلام غالباً در شکل تجربیات فردی، سفرنامه و یا روایت داستان‌هایی شبیه هزارو یک شب بود. تصاویری که با بخش‌های فیلم‌های داستانی‌هالیوود دوچندان قوت می‌گرفت. قصرهای مجلل با زیبارویان سیه چشم، که پنهان از دید عامه مردم بوده و در حرمسراها به دل ربایی مشغول بودند و یا چشم به راه شاهزاده‌ای سوار بر اسب، که آنان را از بند حرم رها سازد و بازارهای کشورهای اسلامی با حجره‌های انباشته از فرش‌های زربافت و پارچه‌های حریر و زندگی ملکه‌ها و شاهزاده‌ها خانم‌ها تصاویری بودند که در قالب رمان‌ها و یا فیلم‌های داستانی ارائه می‌شدند و بیشترین توصیفات را به خود اختصاص می‌دادند (ادوارد ساید، ۱۹۷۸). همچنین نشریاتی که با انتشار اخبار و سرگذشت خانواده‌های سلطنتی مخاطب مغرب زمین را با دنیای فریبده مشرق زمین و جذابیت‌های آن آشنا می‌ساختند. الفریده دیش در کتاب "ازدواج در سرزمین فارس" به سال ۱۹۶۰ از جمله رمان‌هایی است که زندگی مجلل و رویایی در سرزمین پارسیان را به تصویر می‌کشد. (الفریده دیش، ۲، ۱۹۶۰)

1. Edward Said
2. Diech - Elfriede

همچنین ملکه ثریا و سرگذشت ازدواجش با پادشاه فارس سال‌های سال صفحات نشریات مختلف را به خود اختصاص داده بود. حتی اگر در مواردی زوایای پنهان قصرهای شاه و وضعیت اقتصادی و سیاسی مورد انتقاد برخی از نشریات وزین قرار می‌گرفت، اما فضای غالب، قصه‌های ملکه ثریا در دربار شاه ایران بود که نوعی سمپاتی با شاه ایران را در مخاطب القا می‌کرد. (ریچارد بلانک<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹)

به‌طور کلی نشریات در این دوره با بیان سرگذشت زنان غربی و اروپایی که با پادشاهان و یا متمولین کشورهای اسلامی در شرق ازدواج کرده‌اند، تلاش می‌کردند تا مخاطبین غربی خود را با زندگی باشکوه و مجلل این دسته از زنان آشنا سازند. زنانی که مجذوب بازارهای رنگارنگ، معماری‌های باشکوه مساجد، باغچه‌های زیبا، فرش‌های گرانبها، جواهرات خیره‌کننده و لباس حریر مشرق زمین بودند و زندگی کاملاً رویایی را در ذهن مخاطب ترسیم می‌کردند. در این دوره حجاب زن مسلمان سمبلی از جذابیت‌های فریبنده زیبارویان قصرها و حرمسراها است، که کنجکاوی و هوس را برای دستیابی به این زنان دوچندان می‌کند و تصویر داده شده تفاوتی با تصاویر موجود در سفرنامه‌ها و رمان‌های قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی که زنان مسلمان را موجوداتی اسرارآمیز ترسیم می‌کردند، ندارد (میشل راج<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

همچنین تابلوهای نقاشان مشهور در این دوره مملو از تصاویر زنانی است که غرق در زیورآلات، با پیکرهای دلربا و فتان در حرمسراها نقاشی شده‌اند، بازار فروش بردگان، حمام ترکی و صحنه‌هایی از حرم‌ها از دیگر تصاویر کلیشه‌ای

1. Richard Blank

2. Michel Rauch

است که زنان مشرق را ترسیم می‌کنند. زنانی منفعل که جز دل ربایی و به حراج گذاشتن اندام‌هایشان هیچ مهارت دیگری ندارند و برده‌وار سال‌ها در پشت دیوارهای حرم راه‌های رقابت با دیگر زنان را برای جلب بیشتر "سرور" خود می‌جویند. (هامان ال شایک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱)

نشریات زرد یا کوچه بازاری، سالیان سال مشتاقانه قصه‌های دراماتیک عاشقانه شاهزادگان در قصرهای داستانی را دنبال می‌کردند. در مورد ایران با تردی ملکه ثریا از قصر شاهنشاه ایران، فرح دیبا جایگزین مناسبی برای قصه‌های این نشریات بود. قصرها، لباس‌های گران و جواهرات خیره‌کننده و زندگی باشکوه آنچنان برای مخاطب غربی فریبنده ترسیم می‌شدند که حتی در دوره پس از انقلاب نیز آنان با توصیف سرگذشت برخی زنان همچون "سعیده حسین" همسر دیکتاتور عراق به این جنبه از زندگی در این سوی مشرق با غفلت تمام از جنگ خلیج فارس می‌پرداختند. (ویتوریا<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱)

در این مقطع مسائلی همچون حقوق زنان مسلمان و یا تزیین حقوق زن در اسلام و به‌طور کلی وضعیت زنان در عرصه‌های مختلف از نادر موضوعاتی بود که مورد توجه رسانه‌های غربی بود. از آنجایی که در غالب کشورهای اسلامی همچون ایران، پروسه "حرکت به سوی تمدن غربی" به شدت دنبال می‌شد و لذا غرب مانعی بر سر راه مدل زندگی غربی نداشت و مغرب زمین جذابیت‌هایی از اسلام را به ترسیم می‌کشید که تعارضی با زندگی مدرن غربی نداشت. اگرچه با نفوذ فرهنگ غربی در جهان بویژه در کشورهای اسلامی موضوع حجاب بعنوان عامل جامعه‌ستنی و محدودیت زن به‌شمار می‌رفت. که آغاز این حرکت همزمان

1. Haman al Shayk  
2. Vitoria ali

با مشروطه بود. با شروع انقلاب اسلامی و مطرح شدن اسلام به عنوان رقیبی سیاسی اقتصادی و فرهنگی برای غرب و انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب دینی که نفی وابستگی‌های شرق و غرب است، شکل جدیدی از ادبیات علیه مسلمانان بویژه ایرانیان جایگزین تصاویر گذشته می‌شود و از این زمان به بعد کمتر نشریه‌ای یافت می‌شود که اسلام را به عنوان خطر جدی برای غرب مطرح نکند (مسلمانان می‌آیند<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰). این موج با فروپاشی جهان دوقطبی در دوره جنگ سرد و یک قطبی شدن جهان چندین برابر می‌شود و غرب با طرح اسلام به عنوان دشمنی جدی، جایگزین دیگری برای خود می‌یابد (پتر کلاری<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). در این میان زنان مسلمان بواسطه مشخصه حجاب مورد توجه خاص رسانه‌های غربی قرار می‌گیرند و موضوع زنان مسلمان به ابزاری برای مقابله و اجرای یکسری اقدامات عملیات روانی بر علیه اسلام تبدیل می‌شود.

نشر کتب متعدد با موضوع نقش زن مسلمان و زنان محجبه دستمایه مهمی در عرصه رسانه‌های غربی است. خاطرات و تجربیات فردی، رمان، گزارش سفر، تفاسیر خبری، مقالات، اخبار و فیلم در رسانه‌های عمومی غرب با موضوع زنان مسلمان با مشخصه ظاهری حجاب عامل مهمی در شکل دهی اذهان عمومی است. رسانه اولین ابزار عملیات روانی است (صلاح نصر، ۱۹۲۰) و نظریه گستردگی توجه رسانه‌های غربی به موضوع حجاب این سؤال مواجه می‌شود:

۱- غرب با این حجم از فعالیت رسانه‌ای بدنبال چه اهدافی است (سیاسی،

اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی)؟

۲- آیا این فعالیت گسترده رسانه‌ای صرفاً با هدف تولید خبر صورت می‌گیرد؟

1. Moslem are coming  
2. Peter Clarc

۳- تصاویر ارایه شده در رسانه‌های غرب از زن مسلمان چگونه می‌باشد؟ پژوهش حاضر ضمن تحلیل محتوای اخبار مذکور تلاش دارد روش اجرای عملیات روانی رسانه در موضوع حجاب را ترسیم کند. منظور از عملیات روانی بهره‌گیری از روش‌هایی برای تأثیرگذاری بر روحیه، تمایل و انسجام مخاطبان برای تفسیر رفتار آنان است. (فریدن، ۲۰۰۳)

### روش

پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی است. و بر پایه تحلیل محتوای منابع خبری غرب اعم از مکتوب و تصویری و رمان‌ها جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شامل رسانه‌های عمومی است که، ۱۲۰ نمونه آماری مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوایی در مورد رسانه‌هایی انجام شده است که در طی سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۴ به تولید اطلاعات پرداخته‌اند. یکصد و بیست مورد از انواع مختلف رسانه‌های عمومی شامل رمان، مقالات نشریات زنان و مجلات پرتیراژ، همچنین تفاسیر خبری و گزارشات خبری شبکه‌های خبری مهم و فیلم‌های سینمایی و مستند در مورد اسلام و زنان مسلمان و حجاب انتخاب و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شاخص‌ها پس از بررسی منابع در چهار حوزه اصلی «سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی» تعیین گردید، که زیر شاخصه‌های آن به شرح ذیل است:

#### در حوزه سیاسی حجاب به عنوان:

- نماد نقض حقوق بشر
- نماد پایبندی به دین
- نماد نفی با ارزش‌های غربی

- نماد بنیادگرایی
- نماد رجعت به قرون وسطی
- نماد گسترش اسلام در غرب
- نماد تهدید نظام برای جامعه غرب
- نماد همگرایی با بنیادگرایی
- نماد طرفداری از ایران
- نماد عدم آزادی
- نماد ترس از سلطه بیگانگان

در حوزه اقتصادی حجاب به عنوان:

- نماد طبقه اجتماعی
- نماد بیگاری
- نماد کارهای پست
- در حوزه فرهنگی حجاب به عنوان:
- نماد ظلم به زن (تضییع حقوق زن)
- نماد خشونت (فیزیکی، روانی)
- نماد جامعه مردسالار
- نماد جهل و بی سوادی
- نماد زشتی ظاهری
- نماد محدودیت
- نماد افسردگی و بدخلقی
- نماد کثیفی و شلختگی
- نماد تبعیت از مردان (پدر، شوهر، برادر، فرزند ذکور)



• نماد انفعال و وابسته بودن

در حوزه اجتماعی حجاب به عنوان:

• نماد وضعیت شغلی (خانه دار یا شاغل)

• نماد عدم مهارت

• نماد عدم بهره برداری از لذات زندگی

• نماد عقب مانده

• نماد بی فرهنگی

• نماد داشتن فرزند زیاد

• نماد عدم تسلط به زبان دوم

تحلیل محتوایی رسانه‌های مختلف نشان داد اقدامات علیه حجاب در چهارچوب روش‌های عملیات روانی انجام گرفته است، که پاره‌ای از آن به شرح ذیل انجام گرفته است:

- ۱- روش نفی و اثبات: تمام پیام‌های حجاب نفی و مبلغ پیام مورد نظر خود را اثبات می‌کند؛
- ۲- استناد مکرر: استفاده از منابع و مراجع متعدد و مختلف برای رد حجاب و تأثیرگذاری در افکار عمومی؛
- ۳- برجسته سازی: برجسته نمودن فاکتور حجاب به عنوان عامل بی کفایتی زن مسلمان؛
- ۴- استناد مجازی: استناد به آمار و ارقامی که در عمل امکان بررسی صحت و سقم آنها نیست؛
- ۵- حذف و تحریف: نسبت به فلسفه و نکات مثبت حجاب و احکام دین اسلام؛

۶- ایجاد ابهام: از طریق جلسات کارشناسی، تحلیل ناقص و بعضاً اشتباه اقدام به ایجاد ابهام در اذهان مخاطبان می‌نماید؛

۷- الگوسازی: مصاحبه و معرفی موفقیت‌های زنان سکولار و تأکید بر مشکلات در نتیجه پوشش؛

روش‌های فوق در قسمت بازتاب حجاب و بنیادگرایی در قالب شیوع برخی رمان‌ها و گرایش‌ها قابل مشاهده است.

#### یافته‌ها

تحلیل محتوای رسانه‌ها نشان داد، رسانه‌های غربی در بازنمایی چهره زن مسلمان حوزه‌های متفاوتی را مدنظر قرار می‌دهند. فراوانی انواع رسانه به تفکیک جدول ۱ درج گردیده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی حجم نمونه برحسب نوع رسانه‌ها

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱-	فیلم	۱۰	۸/۳۳٪
۲-	روزنامه	۳۰	۲۵٪
۳-	هفته‌نامه	۲۰	۱۶/۶۶٪
۴-	فصلنامه	۶	۵٪
۵-	خبرگزاری	۲۰	۱۶/۶۶٪
۶-	رمان	۱۰	۸/۳۳٪
۷-	مقاله	۲۴	۲۰٪
	جمع	۱۲۰	۱۰۰

عملیات روانی رسانه‌های غربی طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۴ از طریق ۱۲۰ نوع رسانه در ۱۰ فیلم مستند و سیاسی، ۳۰ روزنامه پرتیراژ، ۲۰ هفته نامه، ۶ فصلنامه، ۲۰ خبرگزاری مهم، ۱۰ رمان و ۲۴ مقاله در موضوع زن و اسلام و حجاب مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۲- توزیع فراوانی عملیات روانی علیه زنان مسلمان  
برحسب استفاده از پیام‌های سیاسی در رسانه‌ها

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱	نقض حقوق بشر	۱۲۰	٪۶
۲	پای‌بندی به دین اسلام	۸۰	٪۴
۳	نفی ارزش غربی	۳۰۰	٪۱۵
۴	بنیادگرایی	۱۸۰	٪۹
۵	بازگشت به قرون وسطی	۳۰۰	٪۱۵
۶	گسترش اسلام در غرب	۱۵۰	٪۷/۵
۷	تهدید برای جامعه غرب	۱۵۰	٪۷/۵
۸	هم‌گرایی با بنیادگرایی	۲۰۰	٪۱۰
۹	طرفداری از ایران	۱۷۰	٪۱۱/۵
۱۰	عدم آزادی	۲۰۰	٪۱۰
۱۱	ترس از سلطه بیگانگان	۱۵۰	٪۷/۵
	جمع	۲۰۰۰	۱۰۰

یافته‌های درج شده در جدول (۲) بیانگر آن است عملیات روانی در حوزه

موضوعات سیاسی ۱۱ موضوع را نماد حجاب اتلاق کرده و با تکرار ۲۰۰۰ مرتبه موضوعات از طریق رسانه‌های مختلف، از بین ۱۱ موضوع، حجاب بعنوان نماد نفی ارزش‌های غربی با ۱۵٪ و همچنین نماد برگشت به قرون وسطی بیش از بقیه تکرار شده است، عدم آزادی پس از دو موضوع مذکور که در یک رده از جدول قرار گرفته‌اند، بیشترین نماد مطرح در رابطه با حجاب است. ملاک آزادی فرهنگ غرب و در رابطه با عدم خوردن الکل، عدم رفتن به پارتنی، عدم استفاده از استخر و یا پلاژ مختلط، جدایی زن و مرد معرفی می‌شود. پای‌بندی به دین با ۴٪ کمترین موضوع در حوزه سیاسی در رابطه با حجاب بوده است.

### جدول ۳- توزیع فراوانی عملیات روانی علیه زنان مسلمان

برحسب استفاده از پیام‌های فرهنگی در رسانه‌ها

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱	تضییع حقوق زن	۱۸۰	۱۲٪
۲	خشونت زنان	۱۹۰	۱۲/۶۶٪
۳	جامعه مردسالار	۱۵۵	۱۰/۳۳٪
۴	جهل و بی‌سوادی	۱۷۵	۱۱/۶۶٪
۵	زشتی ظاهری	۶۵	۴/۳۳٪
۶	محدودیت	۲۴۰	۱۶٪
۷	افسردگی و بدخلقی	۱۹۵	۱۳٪
۸	کلیفی و شلختگی	۸۰	۵/۳۳٪
۹	تبعیت از مردان (پدر، شوهر، فرزند، برادر)	۷۰	۴/۶۶٪
۱۰	منفعل و وابسته بودن	۱۵۰	۱۰٪

۱۰۰	۱۵۰۰	جمع
-----	------	-----

همانگونه که یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد در حوزه فرهنگی رسانه‌های غربی ۱۰ موضوع را ۱۵۰۰ مرتبه در گزارشات خود تکرار کرده‌اند. محدودیت با ۱۶٪ فراوانی و افسردگی و بدخلقی با ۱۳٪ فراوانی بیشترین تعبیری است که رسانه‌های غربی در رابطه با حجاب مطرح کرده‌اند و کثیفی و شلختگی با ۵/۳۳٪ حداقل توصیف به‌کار گرفته شده در رابطه با حجاب و زن مسلمان است. از طرفی اگر فراوانی جامعه مردسالار با فراوانی تبعیت از مردان جمع گردد، محدودیت با ۱۶ درصد همچنان بیشترین تعبیر به‌کار گرفته شده در رابطه با حجاب است. خشونت زنان در رابطه با عکس‌هایی طرح می‌شود که زنان محجبه را در تظاهرات‌ها، یا در میدان مبارزه در زمان هشت سال دفاع مقدس و یا اعضای گشت‌های ارشاد را نشان می‌دهند. تضييع حقوق زنان که از سوی رسانه‌های غربی ارزش‌یابی می‌شود شامل عدم حق طلاق، عدم حق سرپرستی، تعدد زوجات، تنبیه بدنی، سهمیه جنسیتی تحصیلی، مجوز خروج، دیه، ارث، از جمله مواردی هستند که به عنوان تضييع حقوق زن مسلمان مطرح می‌شوند.

#### جدول ۴- توزیع فراوانی عملیات روانی علیه زنان مسلمان

برحسب استفاده از پیام‌های اقتصادی در رسانه‌ها

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱	بالا	۱۳	۲/۶٪
۲	متوسط	۷۷	۱۵/۴٪
۳	فقیر	۲۵۰	۵۰٪
۴	بیگاری	۶۰	۱۲٪
۵	کار پست	۱۰۰	۲۰٪

جمع	۵۰۰	۱۰۰
-----	-----	-----

یافته‌های درج شده در جدول حوزه اقتصادی بیانگر این است که رسانه‌های غربی عملیات روانی خود در این حوزه را طی دو سال با استفاده از ۵ موضوع و ۵۰۰ بار مورد استفاده قرار داده اند.

از میان موارد فوق فقر با ۵۰٪ فراوانی و کار پست با ۲۰٪ فراوانی بیشترین موضوعات مطروحه رسانه‌های غربی در رابطه با حجاب می باشد. آنان مطرح کردند زنان محجبه همواره از طبقه فقیر جامعه هستند و غالباً نیز تن به کارهای پست می دهند.

#### جدول ۵- توزیع فراوانی عملیات روانی علیه زنان مسلمان برحسب استفاده از پیام‌های اجتماعی در رسانه‌ها

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱	خانه دار	۲۵۰	٪۲۵
۲	عدم مهارت	۱۵۰	٪۱۵
۳	عدم بهره برداری از لذات زندگی	۲۰۰	٪۲۰
۴	عقب مانده	۲۵۰	٪۲۵
۵	بی فرهنگ	۷۰	٪۷
۶	داشتن فرزند زیاد	۳۰	٪۳
۷	عدم تسلط به زبان دوم	۵۰	٪۵
	جمع	۱۰۰۰	۱۰۰

یافته‌های جدول (۵) مربوط به حوزه اجتماعی نشان می دهد این موضوع در نمونه مورد بررسی با ۷ موضوع و ۱۰۰۰ مرتبه تکرار مورد استفاده قرار گرفته

است.

عملیات روانی از بین ۷ موضوع مذکور حجاب به عنوان نماد خانه‌داری زن و عقب‌ماندگی هر کدام با ۲۵٪ فراوانی را بیش از بقیه تکرار کرده‌اند و تلاش کرده‌اند به مخاطبان خود القا کنند: خانه‌داری مشخصه زنان باحجاب است و زنان با حجاب عقب‌مانده هستند.

همچنین عدم تسلط به زبان دوم با فراوانی ۵٪ از موضوعات مداوم در رابطه با حجاب در حوزه اجتماعی را شامل می‌شود. در این رابطه نیز غالباً زنانی که حجاب ندارند مطرح می‌شوند که قادر هستند به زبان دوم تکلم کنند.

**جدول شاخص‌های اصلی:**

با توجه به جداول زیر شاخص‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی شاخص‌های اصلی به شرح ذیل است:

#### جدول ۶- توزیع فراوانی عملیات روانی علیه زنان مسلمان

برحسب عرصه‌های پیام در رسانه‌های غرب

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱	سیاسی	۲۰۰۰	۴۰٪
۲	فرهنگی	۱۵۰۰	۳۰٪
۳	اقتصادی	۵۰۰	۱۰٪
۴	اجتماعی	۱۰۰۰	۲۰٪
	جمع	۵۰۰۰	۱۰۰

داده‌های جدول (۶) مربوط به شاخص‌های اصلی نشان می‌دهد در عملیات

روانی ۴ موضوع طی مدت زمان بررسی ۵۰۰۰ مرتبه مورد استفاده قرار گرفته است. که موضوعات سیاسی با فراوانی ۴۰٪ و موضوعات فرهنگی با فراوانی ۳۰٪ بیش از دو عرصه دیگر مورد سوء بهره‌برداری قرار گرفتند. تکرار بیشتر رسانه‌های غربی در رابطه با دو موضوع فوق، حساسیت و اهمیت حجاب برای غرب را در این دو حوزه بیان می‌دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی که ارزش‌های معنوی را احیا کرد و شعار نفی وابستگی به شرق و غرب می‌داد، موجی از ادبیات جدید بر علیه حجاب در رسانه‌های غرب سازماندهی شده است.

ایران به عنوان کشوری که پرچم‌دار نهضت ارزشی و غیر وابسته به شرق و غرب است مرکز ثقل اقدامات رسانه‌ای غرب قرار گرفت با توجه به حضور فعال زنان در این نهضت و تأثیرگذاری‌شان در پروسه انقلاب و همچنین پس از انقلاب یک حرکت سیستماتیک رسانه‌ای برای مبارزه با زنان مسلمان محجبه شکل می‌گیرد.

بعد از انقلاب اسلامی ادبیات غرب حجاب را که تا آن زمان مظهر فریبندگی زنان مسلمان مطرح می‌کرد، سمبل ظلمی آشکار به زن معرفی می‌کند که مانع بزرگ بر سر راه احقاق حقوق زن و پیشرفت او در عرصه‌های مختلف است. در این جریان جدید صاحبان قلم و رسانه با هر نوع نگرش، یک اتفاق واحد را به نمایش می‌گذارند و اسلام را به عنوان دینی زن ستیز مطرح می‌کنند. به طور مثال



نشریه تانگو<sup>۱</sup> تحت عنوان "اسلام و زنان بنیادگرا" اظهار می‌دارد: «تصویر سیل زنان سیاه‌پوش در تظاهرات‌های خیابان‌های تهران، تماشاچی غربی را به وحشت می‌اندازد» و انتخاب پوشش از سوی غالب زنان ایرانی، این گونه تفسیر می‌شود که آنان به مقتضای جبر و سرنوشتی که دچار آن بودند، گرفتار هیجانات متعصبانه شدند و پیچیده در چادر هرکجا که صحبت از تقابل با "غرب آزاد" در قبال اسلام به عنوان "دنیای عبوس و ظلمانی" می‌شود، آنان توده‌وار رژه می‌روند و با عکس‌هایی از خمینی و حتی الامکان مسلسل به دست و شعار به دست راه می‌افتند صحنه‌ای که رژه یک مذهب شوم و جنگنده را تا شهرهای ما تداعی می‌کند.» (ویلی لازنچن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵) بر روی جلد نشریه زنان ایرانی چادری با مشت‌های گره کرده و در حال شعار دادن را نشان می‌دهد که ترسیمی کامل از خشونت و نفرت را القا می‌کند. در دهه ۹۰ بازار اروپا و غرب مملو از رمان‌هایی که شرح حال زنان مسلمان فراری و رها شده از کشورهای اسلامی را با هدف زن‌ستیزی اسلام توصیف می‌کند.

نشریات از زرد تا وزین، کتب‌های علمی و رمان‌های جیبی تا تفاسیر خبری شبکه‌های سراسری و خصوصی<sup>۳</sup> با‌عناوینی کاملاً تحریک‌آمیز ترسیمی واحد از ظلم به زن در سایه اسلام را به تماشا می‌گذارند. از جمله رمان‌هایی که در این سالها به رشته تحریر درمی‌آید، «سرنوشت زنان در اسلام»<sup>۴</sup>، «زنان می‌میرند، بدون آنکه زندگی کرده باشند»<sup>۵</sup>، «چادر پاره»<sup>۶</sup>، «زن سنگسار شده»<sup>۷</sup>، «نگاه افتاده»<sup>۸</sup>.

1. Tango
1. Willy Luzenkirchen
2. Frauen im Islam
3. Frauen, die Sterben, ohne das sie gelebt haben
4. Zerrissene Schleier

«محببه»<sup>۲</sup> است که با ساخته و پرداخته‌های شخصی تصویری مخوف از وضعیت زن مسلمان ارائه می‌دهند.

به‌طور مثال داستان عایشه دختر جوان الجزیره‌ای یکی دیگر از رمان‌های سیاسی است. عایشه در خانه‌ای زندگی می‌کند که پدر مذهبی‌اش او را کاملاً تحت فشار می‌گذارد. مادرش زنی چاق و منفعل، هیچگاه خانه را ترک نکرده است و دو برادر متعصب دارد که پیروان خمینی هستند و مهارت دیگری نیز ندارند. آنان در پاریس زندگی می‌کنند. عایشه که اجازه رفتن به دبیرستان را نداشته و پدرش با وساطت دبیری فرانسوی، به او اجازه می‌دهد.

در محیط دبیرستان عایشه با سبک دیگری از زندگی که تا به آن روز برای او ناآشنا بوده است آشنا می‌شود. سبک «زندگی متمدن» انسان‌های سفیدرو، زیبا، پرجنب و جوش. تحت تأثیر فضای دبیرستان عایشه نیز با یک پسر ویتنامی رابطه برقرار می‌کند. رابطه او فاش می‌شود، خانواده او را مجبور به یک ازدواج اجباری می‌کند که عایشه با فرار خود از خانه، رهایی خود را می‌یابد. رهایی از فرهنگ و جامعه‌اش. (فدریکا دوسکو،<sup>۳</sup> ۱۹۸۹)

یکی دیگر از این نوع ادبیات در زمان «من شاهزاده‌ای از خانه آل سعد هستم» در سال ۱۹۹۲ است. با سوتیتر داستانی واقعی پشت پرده چادر، از نویسنده آمریکایی «سوزان جین» طی ۱۰ روز پنجاه هزار نسخه فروش دارد. (سوزان جین،<sup>۵</sup> ۱۹۹۲)

5. Die gesteinigte Frau

6. Mit gesenktem Blick

1. Verschleiert

2. Federica de cesco

3. Sasson Jeane

نویسندگان آلمانی همچون آلیس شوارتزه نیز از جمله نویسندگانی است که با رمان‌ها و مقالات متعدد، سناریوی دیگری از تضييع حقوق زن مسلمان رابه نمایش می‌گذارد در رمان جیبی "حمیده نقش حمیده را بازی می‌کند".

دختر ترک روسری به سر برای آن که از ظلم و ستم پدر مرد سالار و مادر منفعل و ستم دیده‌اش رهایی پیدا کند و مفهوم خوشبختی را درک کند، چاره‌ای برایش نمی‌ماند، جز اینکه دست از ارزش‌های خود کشیده و به ارزش‌های غربی پناه آورد. (آلیس شوارز، ۱۹۹۲)

در اجرای عملیات روانی از شرق تا غرب مسلمانانی مطرح می‌شوند که بر هویت دینی خود تأکید دارند. زندگی افراد عادی از قشرهای مختلف اجتماعی و با فرهنگ‌های متفاوت در رابطه با زنان و محرومیت‌های آنان در کشورها س اسلامی به تصویر کشیده می‌شود.

سال ۱۹۹۸ اوج موفقیت اقدامات عملیات روانی رسانه‌ها بر علیه حجاب با کتاب «بدون دخترم هرگز» از بتی محمودی آمریکایی است. بتی آمریکایی که با یک پزشک ایرانی به نام محمودی ازدواج می‌کند. در اثر مصدومیتی که به علت کتک خوردن از شوهر مست آمریکایی‌اش پیدا می‌کند در بیمارستانی بستری می‌شود که محمودی دکتر ایرانی معالج اوست. محمودی که در این دوران، فردی فریفته فرهنگ غرب است، بتی را جذب می‌کند با او ازدواج می‌کند و ثمره ازدواج آنها در سال‌های اولیه دخترشان مهتاب است. محمودی تحت تأثیر انقلاب رفته رفته هویت ملی - دینی‌اش زنده می‌شود، که به همین علت نیز با بتی به ایران می‌آید و از این زمان مشکلات بتی با فرهنگ ملی و دینی همسرش شکل می‌گیرد. این کتاب که فاقد هرگونه اثر ادبی است در غالب خاطرات

شخصی بتی کاملاً هدفدار تمامی زنانی را که پای‌بندی به ارزش‌های ملی و دینی خود دارند را انسان‌هایی عقب مانده، خشن، کثیف، بی‌منطق، متعصب، بی‌سواد و زشت ترسیم می‌کند و تمامی کسانی که تمایلات غربی خود را در غالب بی‌حجابی، خوردن مشروبات الکلی، عدم پای‌بندی به دین و فرهنگ ملی نشان می‌دهند و زبان انگلیسی نیز می‌دانند، انسان‌های متمدن، با فرهنگ، خوشرو و خوش‌سیما ترسیم می‌کند، انسان‌هایی که ارزش آزادی غربی را می‌دانند. نویسنده کتاب در حالی که نماز خواندن و نیایش مسلمانان را به مسخره می‌گیرد دعاهای شبانه خود و مهتاب را نقطه اوج لحظات تنهایی‌اش با دخترش مهتاب ترسیم می‌کند. این کتاب طی ۴ سال به ۴۰ زبان دنیا ترجمه شده و فیلم آن نیز با هنرنمایی سالی فیلد هنرپیشه مشهور یهودی ساخته شد. (بتی محمودی،<sup>۱</sup> ۱۹۹۴)

مازینر یکی از مسئولان بخش خبری مجله آلمانی اشترن در خصوص ادبیات چادر می‌گوید: «یک کتاب مهیج درباره چادر مانند داشتن شش رقم صحیح در بخت‌آزمایی هیجان دارد.» (مازینر،<sup>۲</sup> ۱۹۹۲)

غالب این رمان‌ها و تفاسیر خبری زنان را موجودات ضعیفی ترسیم می‌کنند که در خانواده هیچ نقشی جز رویش و سرویس‌دهی به دیگران ندارند. بن‌راد شلفر در یک تفسیر خبری به سال ۱۹۹۰ تحت عنوان «مشرق زمین مستبد» اظهار می‌دارد: «زندگی زنان در کشورهای اسلامی مخوف است، آنان زندانی می‌شوند، تحقیر می‌شوند، به آنان صدمه زده می‌شود و هرگاه کسی بخواهد علیه این خودکامگی دیوانه‌وار خشونت مردان قدا علم کند، با فجیع‌ترین

1. Betty Mahmmudy  
2. Toni Meissner

مقاومت‌ها صدایش را در گلو خفه می‌کنند.» (شلافر، ۱۹۹۰)

نویسندگان غربی و زنان فراری از کشورهای اسلامی تلاش می‌کنند تا رفتار خشونت‌آمیز نسبت به زن را به اسلام ربط دهند و با تغافل به موارد خشونت‌آمیزی که نسبت به زنان غربی و اروپایی از سوی شوهران و یا دوستان پسر زنان به آنان روا می‌شود، این موضوع را خاصه مردان مسلمان و اسلام نشان دهند.

نگارنده با طرح این موضوع قصد ندارد رفتار خشن و ضرب و شتم‌هایی که در نتیجه تربیت‌های غلط و خوی درنده‌گی از برخی به ظاهر مسلمان‌ها سر می‌زند را انکار کند. آنچه محکوم است برخورد‌های کلیشه‌ای و ارتباط دادن غلط این اعمال و رفتار به اسلام است. چنان که خشونت اعمال شده به زنان در اروپا و غرب را نیز نمی‌توان به مسیحیت مرتبط کرد.

مفسران و نویسندگان غربی اگرچه به ظاهر دغدغه حقوق زنان در اسلام را داشته و نگران تبعیض‌های موجود به او هستند، اما غالباً در اظهارات خود پیش از آنکه حس دلسوزی را در مخاطب ایجاد کنند، با رفتاری مغرضانه به نفرت و بدبینی دامن می‌زنند. به‌طور مثال رسانه‌های آلمان زنان مهاجر مسلمان را نیروهای ارزان "روسری به سری" که به پست‌ترین کارها تن می‌دهند و بدون خستگی در خدمت خانه و خانواده نیز هستند معرفی می‌کنند، زنانی که اگرچه در بیرون نیز کار کنند ولی هیچ‌گاه با دنیای خارج از جامعه خود ارتباط برقرار نمی‌کنند. در سال ۱۹۹۰ مجله اشپیگل تحت عنوان "بچه‌ای در شکم، قوزی در پشت" سناریوی مخوفی از سوزان پاتنسکی، نویسنده‌ای که غالباً درباره زنان روسپی و همجنس‌بازان قلم می‌زند در کتاب "عروسان فروخته شده" مشخصه زنان ترک

را این گونه بیان می‌کند «آنان در شلوارهای رنگی و روسری کاملاً جلب توجه می‌کند و به عنوان موجودی بیگانه و غیرقابل هضم نگاه‌ها را به سوی خود می‌کشند.» و سپس ادامه می‌دهد: «این کاملاً طبیعی است و نباید متعجب بود که چرا دیگران به آنان بدبین می‌شوند، آنان با لباس مبدل در کنار یکدیگر راه می‌روند و به زبانی غیرقابل فهم تکلم می‌کنند، غذاهای عجیب و غریب سرو می‌کنند و به‌طور کلی منشی کاملاً خارج از روش مفاهمه و آنطوری که ما می‌فهمیم دارند.» (سوزان پاتنسکی،<sup>۱</sup> ۱۹۹۰)

پاتنسکی نیز با ادبیات دیگری مدل زندگی غربی، مدل لباس، زبان و حتی نوع غذا را همچون محمودی ملاک قضاوت قرار داده و ضمن برتری غیرمستقیم مدل غرب حقی مسلم برای رفتار توهین‌آمیز با زنان مسلمان محجبه را به خواننده القا می‌کند.

در پروسه بازتاب حجاب تفاسیر مختلفی ارائه می‌شود که طبق یافته‌های جدول فرهنگی اجماع این تفاسیر محدودیت بوسیله حجاب عدم توان استقلال فکری و مطیع بودن زن است: «چادر به این مفهوم است که زنان به محیط بیرون تعلق نداشته و اینکه آنان عامل انحراف جنسی مردان هستند و لذا حضور ایشان در جامعه تنها در موارد استثنا باید باشد.» (چری بنراد،<sup>۲</sup> ۱۹۸۷، ۴۶)

«آنان آنقدر در بند هستند که حتی وقتی در مجامع سیاسی شرکت می‌کنند، سر در گوش همسرانشان دارند تا آنها برایشان مطالب را توضیح دهند که همه چیز حکایت از مطیع بودن آنان دارد.» (کیت میل،<sup>۳</sup> ۱۹۸۲)

- 
1. S. Patenzky
  2. Chery Benrad
  3. Kate Millet

در جریان عملیات روانی سازمان یافته برای اثبات ظلم به زن بواسطه پوشش زنان مسلمانانی که پیرو مدل‌های غربی بوده و افکاری سکولار دارند به‌عنوان کارشناس مسائل اسلامی مطرح می‌شوند «مغز زنان به‌کار گرفته شده است، یک زن محجبه نمی‌تواند منظور خود را بیان کند.» (ساداوی و دیگران،<sup>۱</sup> ۱۹۹۱)

تمامی زنانی که الگوی "حجاب محدودیت نیست" را اثبات کرده و در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رشد چشمگیری داشته‌اند، مورد تغافل قرار می‌گیرند و غرب با طرح زنان فمینیست و سکولار از کشورهای اسلامی تلاش می‌کند تا مسائل مربوط به زنان در اسلام منجمله حجاب را از زبان این گونه زنان کارشناسی کند.

زنانی چون نوال ساداوی<sup>۲</sup> فمینیست مصری و یا فاطمه مرنیسی که مخالف نظام اجتماعی اسلامی هستند و با طرح حجاب به عنوان نماد ظلم آشکار به زن بر شبهاتی که غرب مطرح می‌کند، تأکید می‌ورزند (نوال ساداوی، ۱۹۹۱) و در این حالت حجاب به عنوان سمبل سیاسی مورد تعرض واقع می‌شود که نشانی از تفکرات بنیادگرایی و نفوذ بنیادگرایان در قلب تمدن اروپا است و لذا نباید در جوامع سکولار ظهور پیدا کند. افراد مختلف در غالب کارشناس اسلامی مطرح می‌شوند تا از زبان آنها گفته شود که در آیات قرآن تأکیدی بر پوشش به چشم نمی‌خورد (فولارد،<sup>۳</sup> ۱۹۹۴) و در ادامه این گونه مطرح می‌شود این بنیادگرایان هستند که برای محصور کردن زن، آنها را مجبور به حجاب و چادر کرده‌اند تا مانع شکوفایی آنها شوند.

1. Sadawi, Mernissi, Golfwar

2. Newal Sadawi

3. Foulard-le Completo

این نویسندگان پیروی زنان مسلمان از پوشش در واقع موفقیت بنیادگرایان برای برگرداندن زنان به قرون وسطی و عقب تفسیر می‌شود (خلیل درویش، ۱۹۹۱) و همچنین اظهار می‌شود این برگشت تمامی تلاش‌های تدریجی در راه دموکراسی و آزادی زنان در این کشورها را به خطر می‌اندازد. زن اصول‌گرا به کسانی اطلاق می‌شود که در نتیجه مدرنیته احساس ناامنی داشته و خواه ناخواه قدرت همخوانی با تساوی حقوق و اشتغال را نداشته و به این سبب ترجیحاً به دین و سنت روی می‌آورند. در ادامه اظهار می‌شود این زنان قادر به درک دیدگاه‌های متعصبانه بنیادگرایان نیستند و حمایت آنان از اسلام به علت امنیتی است که دین به آنها می‌دهد و مسئولیت آنان را کمتر از مردان قرار می‌دهد. (کریستین ژوزی، ۱۹۹۱)<sup>۲</sup>

بررسی محور پیام‌های سیاسی مشخص می‌کند تصویری که رسانه‌های غرب به آن می‌پردازند، طرح زنان مسلمانی است که پس از انقلاب اسلامی با برگشت به هویت دینی و انتخاب پوشش اسلامی تلاش می‌کنند تا بر اساس آموزه‌های اسلامی زندگی کنند و معتقدند که آموزه‌های دینی مانعی بر سر راه حضور فعال آنان در عرصه‌های مختلف نیست.

رسانه‌های غربی در مواجهه با این قشر از زنان مسلمان آگاه اذعان می‌دارند که هر روز بر تعداد این زنان در کشورهای مختلف اسلامی افزوده می‌شود، زنانی که در مسائل اجتماعی سیاسی فعالانه شرکت می‌کنند و برای عقاید خود از هیچ چیز هراس ندارند. (اکر، ۱۹۹۰)

نویسندگان و گزارشگران غربی اگرچه پوشش را عامل رکود زن معرفی می‌کنند اما در توجیه حضور این‌گونه از زنان مسلمان که علی‌رغم پوشش،



رشدی همه جانبه را از خود نشان می‌دهند، اظهار می‌دارند که این زنان یا نمی‌دانند پیروی از چه مکتبی کنند و یا برای به دست آوردن یکسری از آزادی‌ها که با حجاب برای آنان به وجود می‌آید، آلتز نایتو دیگری پیدا نمی‌کنند. رسانه‌های غربی زنان هوشمند، توانا و مستقل، که رشد و شکوفایی توانایی‌های خود را در سایه اسلام ببیند را کاملاً مورد تفاضل قرار می‌دهند و تلاش می‌کند تا الگوی ذهنی غرب از اسلام و زنان مسلمان را به مخاطبین القا کنند، اگرچه این تصویر ذهنی با واقعیت در تضاد کامل باشد.

لذا در غالب گزارشات اگر زنان محجبه‌ای نشان داده شوند که مدارج بالای اجتماعی را طی کرده‌اند، مجدداً با طرح شبهه‌اتی چون زنان در خانه فاقد هرگونه حقوق هستند، تصویر کلیشه‌ای سازمان یافته به مخاطب انتقال داده می‌شود.

به‌طور مثال «سابینه کبیر»<sup>۱</sup> نویسنده‌ای از آلمان شرقی با تعداد زیادی از دانشجویان محجبه الجزایری ارتباط داشته است، علی‌رغم آنکه آنان را با هوش، طالب علم و روشنفکر می‌بیند، اما تمایل آنان به پوشش و تأکید آنان بر مظاهر و روش‌های زندگی اسلامی را این‌گونه توجیه می‌کند که به واسطه پوشش دختران می‌توانند آزادی بیشتری را از طرف خانواده بدست آورند و به راحتی در جامعه تردد کنند. به عبارت دیگر حجاب یک نوع ماسک برای دختران است که بتوانند خود را در مقابل والدین به اثبات برسانند. سپس ادامه می‌دهد «این درست همان کاری است که برخی دختران جوان ما در برابر والدینشان انجام می‌دهند، برخی لباس‌ها را نمی‌پوشند تا آزادی عمل بیشتری به دست بیاورند.» (سابینه کبیر، ۱۹۹۲)

در استمرار پروسه سازمان یافته بر علیه حجاب طنز «پرسپولیس»<sup>۲</sup> از «مرجان

1. Sabine Kebir  
2. Persepolis

ستراپی<sup>۱</sup> در قالب انیمیشن سال ۲۰۰۷ در فرانسه ضمن چاپ بر روی پرده رفت. مرجان ستراپی در این انیمیشن دوران کودکی و نوجوانی خود را که تلاقی با انقلاب اسلامی دارد با یک کمدی به تصویر می‌کشد.

مرجان در سن ۱۶ سالگی برای رهایی از ستم نظام اسلامی که در حق زنان روا می‌شود به وین فرستاده می‌شود و از آنجا برای ادامه تحصیل به پاریس می‌رود. در این طنز انیمیشن که رنگ سیاه و سفید آن به عنوان نماد زندگی در جمهوری اسلامی ایران مدنظر است مجدداً روسری و حجاب به عنوان سمبل ظلم زن به تصویر کشیده می‌شود و تمام زنانی که چادر به سر دارند از اولیاء مدرسه گرفته تا دیگران نمادی از زنان عبوس، خشن و عقب افتاده هستند، اگرچه مدیر مدرسه و یا از یک قشر فرهنگی باشند، اما تنها به علت طرفداری آنان از نظام اسلامی و داشتن چادر کاملاً سیاه نشان داده می‌شوند. ستراپی نیز همانند تمامی دیگر نویسندگان مورد خود را به کل زنان تعمیم می‌دهد و کلیشه‌های فکری در مورد حجاب را پررنگ‌تر می‌کند. این انیمیشن ضمن دریافت جوایز متعدد به ۲۵ زبان دنیا ترجمه و بیش از یک میلیون نسخه آن به فروش می‌رسد. (مرجان ستراپی، ۲۰۰۷)

زندگی‌نامه "آیان هرسی علی"<sup>۲</sup> تحت عنوان «زندگی من، آزادی من» از دیگر کتبی است که بر کتب پیش از خود در تأیید ظلم اسلام به زنان و روسری نماد این ستم صحنه می‌گذارد.

این کتاب شامل دو قسمت است: قسمت اول با عنوان "از کودکی تا جوانی" خاطرات آیان هرسی را از سوماتالی تا عربستان سعودی، اتیوپی و کنیا شرح می‌دهد و در قسمت دوم، تحت عنوان «زندگی من، آزادی من» هرسی به شرح

صعودش به پله‌های شهرت به عنوان یک سیاستمدار هلندی می‌پردازد. آیان هرسی علی در کتابش حتی ترسیم صحنه‌های ختنه توسط مادر بزرگش که در غیاب والدینش این کار را کرده است کاملاً شرح می‌دهد، این تصویر از جمله صحنه‌های خصوصی است که هرسی ابایی برای ترسیم آن ندارد، هرسی در این کتاب ضمن سیاه نمایی کامل اسلام و حقوق زن در اسلام، تلاش می‌کند تا حجاب و روسری را محصول تأثیرگذاری بنیادگرایان بر زنان توصیف کند و در این رابطه سن شانزده سالگی خود را به تصویر می‌کشد. ارتباط او در این سن با خواهر عزیزه معلم دینی که چادری سر تا پا سیاه برسر داشته است، باعث می‌شود تا آیان نیز اولین کسی باشد که در مدرسه‌اش در کنیا چادر به سر کند و احساس کند با "چادر برای خودش کسی شده است" حس برتری، "من تنها مسلمان واقعی هستم" با این جملات آیان به فلسفه حجاب و انتخاب پوشش توسط زنان مسلمان پرداخته و آن را نوعی حس خودبرتربینی تلقی می‌کند که با آن زنان مسلمان به واسطه بنیادگرایان اغفال شده‌اند. هرسی در سال ۱۹۹۲ در پی تلاش خانواده اش برای یک ازدواج اجباری به هلند پناهنده می‌شود و اظهارات خصمانه او بر علیه اسلام اقامت دائم و صعود تا نمایندگی در پارلمان هلند به سال ۲۰۰۳ را برای او به ارمغان می‌آورد. (آیان هرسی علی، ۲۰۰۶)

با پیروزی یک حکومت دینی در ایران اساس حکومت‌های غربی یعنی سکولاریسم و همچنین شوروی و نظام‌های سوسیالیستی که دین را افیون ملت‌ها معرفی می‌کرد دچار چالش شد. خطر الگوی یک حکومت دینی در منطقه و بازگشت گسترده مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به هویت دینی، مخالفت‌های گسترده آنان علیه نظام دینی و نمادهای آن را در سرتاسر جهان دامن زد. تا آنجا که پس از فروپاشی شوروی جهان به اردوگاه غرب و اسلام تبدیل شد که در

مسئله زنان و ختشی‌سازی الگوی زنان موفق محجبه و فلسفه حقیقی پوشش به شیوه‌های زیر متوسل شدند:

۱. الگوسازی زنانی که بر اساس آموزه‌های غربی مخالفت خود را با دین و تمام نمادهای دینی از جمله پوشش اعلام می‌کردند. این افراد که عمدتاً در کشورهای غربی به سر می‌برند نقش سخنگوی اندیشه‌های غربی را به عهده گرفته و رسانه‌های غربی تلاش کردند تا این افراد را به عنوان نماینده زنان مسلمان به جامعه جهانی معرفی نمایند؛

۲. معرفی زنان مسلمانی که در مقاطعی از زندگی دچار مشکل بوده‌اند و دچار غم، اندوه، شکست و عقب‌ماندگی شده‌اند و این را به وضعیت کل زنان مسلمان تعمیم داده‌اند؛

۳. تغافل کامل نسبت به میلیون‌ها زنانی که با انتخاب خود پوشش را برگزیده و حضوری فعال و مؤثر در عرصه‌های مختلف دارند؛

۴. تلاش برای جلوگیری از استمرار و گسترش هویت اسلامی با تعمیم تمامی مشکلات زنان به اسلام‌خواهی و پوشش آنان.

به‌طور کلی با بررسی بازتاب حجاب در رسانه مشخص می‌شود غرب در برخورد با هر تفکری که بر اساس فرهنگ جدید آن نباشد به شدت در حوزه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی برخورد می‌کند و بدون تفکیک مسائل و طبقه‌بندی موضوعات به یک قضاوت یک‌جانبه و سیاه‌نمایی تفکر مقابل اقدام می‌کند که این سیاه‌نمایی غالباً با رویکردی سیاسی است و به شرح ذیل انجام می‌گیرد:

۱. شبهه افکنی؛

۲. گفتن بخشی از حقایق؛

۳. وارونه جلوه دادن حقایق؛

۴. بزرگ‌نمایی نواقص.

مجموعه تحلیل‌های فوق نشان می‌دهد که فرهنگ غربی روش‌هایی را که برای مقابله به‌کار می‌گیرد ثابت بوده و در طی زمان ظاهر آن عوض می‌شود، این روش‌ها زمانی در مورد بلوک شرق اعمال می‌شده و امروز نیز در مقابله با زن مسلمان محجبه به عنوان نماد اسلام و جمهوری اسلامی به‌کار گرفته می‌شود.

#### منابع

1. Alice Schwarze/ Hamide Spielt Hamide, Fischer , Frankfurt 1992
2. Ayaan Hirsi Ali: Mein Leben, meine Freiheit. Piper Verlag München 2006
3. Chery. Edit Schlaffers, Das Gewissend er Männer, Geachlechts und Moral , Reportagen aus der Orientalischen Despotie. Frankfurt a.M: Shurkamp 1990
4. Chery Benrad , taschador soll Fatima tragen . Heft 2.1987. S.46
5. Christian Jaggi und David Krieger: Fundamentalismus ein phanomen der Gegenwart, oreu Fusslin, zurich 1991
6. Diech/ Elfriede - Verheiratet in persien / Rütten & loening Hambeng 1960 S.S
7. Edward Said – Orientalism – 1978 S.13
8. Freidoune Sahebjam, Die gesteinigete Frau Reinbek, Rowohlt 1992
9. Federica de cesco: Aischa oder die Sonne des Lebens. Ravensburg: Maier 1989
10. Foulard, le lomplote, comment les islamistes in Filtrent la France , 24.11.94
11. France, L in , TEGRISME A L' ASSAUT de L'ecole, 80.11.2002
12. Ferida Acar: was die islamische Bewegung Für Frauen so anziehend macht, In: Neusel 1991 S.73.92
13. Haman al-Sheyk – Im Bann der Heigh-Tech Harmes / Ulstein 1991
14. Juliette Minces , Frauen im Islam, Reinbek, Rowohlt 1991
15. Juliette Minces, verschleiert, Frauen im Islam , Reinbek 1992
16. Kate millet , Reisbericht vom Iran, Reinbek: Rowohlt 1982.S.126
17. Khalil Darwish: dieneue, Verschleierung der arabischen Frau eine Untersuchung zu den Gründen Für die Renaissance des, el, Hijab in jordanien. Pfaffen weiler: centaurus 1991
18. Meissner Toni – Frauen im Orient – Stern Nr.41 - 1992
19. Michel Rauch, wennes Nacht wird im Morgenland, Im Zeit Magazin Nr.6.1994
20. Many Schirazi, Zerrissene Schleier. Heyne. München. 1992
21. Mit gesencktem Blick, Toni Meissner, Stern, Nr.4 1992
22. Mahmudy Betty, Nicht ohne meine tochter , Bergish- Goldbach: Bastei Lübbe 1994
23. Marjane Satrapi, Persepolis, F 2007 Regie
24. Raminud
25. Saliba Scheinbardt: Frauen , die , Sterben, ohne das sie gelebt haben.Berlin: Express 1983

26. Sasson, Jeane prin cess: A True Story of life behind The veil in Saudi Arabian – Goldman. P .1992
27. Sabine Kebir Dialektik des Schleiers, Das Beispiel Algerien. In: Ladowicz 1992.S.162-180
28. Willy Luzenkirchen , Islam Fundamentalisten in Tango Nr.2.1995
29. Vittoria Alliata: Harem. Freiheit hinter dem Schleier München: Rogner & Bernhard 1981.
30. Richard Blank: Shah Reza-der Letzte deutsche Kaiser. DDokumente aus der Regenbogenpress.Reinbek.Rowohlt 1979
31. Susanne Enderwitz : Der Schleier im Islam – Ausdruck von Identitat? Elsas, 1983 , S.143 - 173



ژروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی